

عاشورا و امام حسین (ع) در اشعار شاعران فارسی و عربی معاصر

دکتر پیمان صالحی^۱

سهراب سهیلی گیلان^۲

(تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۲/۱۵، تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۴/۱۳)

چکیده

بی‌شک حماسه عاشورا و قیام سیدالشهدا(ع)، مهم‌ترین رخدادی بوده که باعث تحوّل مضمونی و معنایی در ادبیات فارسی و عربی شده است. با این حال، در طول تاریخ، نگاه به این واقعه، همیشه یکسان نبوده و در این میان، شرایط سیاسی حاکم بر جوامع تأثیر چشمگیری در زاویه دید شاعران نسبت به جریان عاشورا داشته است. بُعد فردی و اجتماعی شخصیت امام(ع) و میزان رویکرد شاعران به هر یک از آن‌ها، از مسائل قابل بررسی در اشعار عاشورایی فارسی و عربی است. همچنین تعبیر به کار گرفته شده بوسیله آنان، حکایت از حضور ادبیات بُکایی و حماسی در هر دو زبان فارسی و عربی دارد، امری که ناشی از اختلاف در نوع نگاه به عاشورا به عنوان یک تراژدی و یا یک انقلاب و نهضت حیات بخش است. ورای این اشتراکات، اختلافاتی نیز وجود دارد، از جمله آن‌ها میزان توجه فراوان شاعران عرب به ذکر نسب و مدح خاندان آن حضرت و بیان صفات مختلف امام حسین(ع) است. نوع صفات انتخابی برای امام حسین(ع) نیز مؤید این مطلب است که آنان، به دنبال یک الگوی مبارز و برتر در جامعه خویش بوده‌اند و به نظر می‌آید حضور رهبران دینی در نهضت مشروطه و پس

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه ایلام. salehi@ilam.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب sohrahaili@yahoo.com

از آن، باعث شده این مسأله، کمتر مورد توجه شاعران ایرانی قرار گیرد. قیام عاشورا که از ابتدا پشتوانه فکری انقلاب اسلامی بود، بارزترین الگوی مبارزه شد و امام خمینی (ره) برای ملت، یادآور امام حسین (ع) بود و عاشورا که تا پیش از انقلاب، به عنوان یک سوگ بزرگ به آن نگریسته می‌شد، در سروده‌های دفاع مقدس به عنوان یک حماسه مطرح شد که در تاریخچه شعر عاشورایی، فصل تازه‌ای گشود. پژوهش مذکور، با رویکردی توصیفی-تحلیلی، مسائل مذکور را مورد بررسی قرار داده است.

کلید واژه‌ها: امام حسین (ع)، عاشورا، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، شعر فارسی و عربی معاصر.

مقدمه

بی‌تردید حماسه کربلا و قیام سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) مهم‌ترین رخدادی بوده که باعث تحوّل مضمونی و معنایی در ادبیات فارسی و عربی شده است و شرح و روایت مظلومیت امام حسین (ع) و ددمنشی دشمن، نه تنها در صدها کتاب و مقتل بیان شده است؛ بلکه شاعران و نویسندگان در طول تاریخ، همواره سعی کرده‌اند با توجه به این واقعه به رستاخیزی کلمات که همان شعر ناب باشد، دست یابند. در میان این اشعار، مرتبه‌هایی وجود دارند که گاه انسان را سخت متألم کرده و گاه با رویکردی اندیشمندانه، تفکر و اندیشه‌ای را که زمینه‌ساز شکل‌گیری واقعه عاشورا بوده، معرفی و نقد می‌کنند و البته گاهی هم با نگاهی زیبایی‌شناسانه به این واقعه روبرو می‌شوند:

گرچه روزی تلخ‌تر از روز عاشورا نبود آنچه ما دیدیم جز پیشامدی زیبا نبود
(شاعر سید ضیاء الدین شفیعی، نقل از بهداروند، ۱۳۸۱: ۳۹)

اما موضوع شهادت امام حسین (ع) عاشورا و واقعه کربلا حادثه‌ای است که در طول تاریخ، همیشه با یک نگاه، نگریسته نشده و شرایط تاریخی، اجتماعی و اقلیمی موجب شده تا در دوره‌های گوناگون، یک یا چند جنبه از آن بیشتر مورد توجه قرار گیرد. از مجموعه عوامل مؤثر در نگرش به عاشورا، شرایط سیاسی حاکم بر جوامع، تأثیر چشمگیرتری داشته است، یعنی؛ ظهور یا خاموشی این واقعه و نمودهای آن، وابسته به

شرایط سیاسی اعصار مختلف بوده است.

حضور پررنگ عاشورا در شعر، در روایت ماجرا و قالب نافذ مرثیه در سوگداشت ماجرا؛ از سویی پیوند دهنده میان عواطف و دل‌های سوخته و حقیقت ماجرای ظهر عاشوراست و از سوی دیگر به نوبه خود، باعث غنا و اعتلای اشعار و مرثی است. این مرثی و اشعار عاشورایی عموماً با پرداختن به جنبه تاریخی، روحی و عاطفی ماجرا، با سرودن سوزناک‌ترین مرثی ظهر عاشورا، عواطف خویش را مصروف سوگواره نگاری و مقتل نگاری منظوم کرده‌اند و خواننده را با امواجی از عواطف جوشان و داغدار آشنا می‌کنند که این‌گونه مرثی، بیشتر در میان اشعار متقدمین شایع است؛ البته استثنائاتی هم دارد. متأسفانه شاعران ایرانی در ثبت وقایع عاشورا خیلی دیر شروع کردند. موضوع نهضت عاشورا در دورانی که مردم در مسجدهای بغداد می‌نشستند و شب‌ها برای سید الشهداء عزاداری می‌کردند تا سده چهارم، در اشعار شاعران ایرانی بازتابی ندارد. شاید علتش این بود که حکومت‌های دست‌نشانده به مردم فشار می‌آوردند و مردم هم به دلیل ترس از ثبت و ضبط اموالشان از سرودن شعر درباره قیام عاشورا خودداری می‌کردند. این پژوهش، تلاش نموده تا ابتدا دوره‌های شعر عاشورایی فارسی و عربی و خصوصیت‌های آن‌ها را به صورت مختصر بیان نماید، سپس نگاه شاعران فارسی و عربی معاصر را به واقعه عاشورا و سیمای امام حسین (ع) نشان داده و نقاط اشتراک و اختلاف آن‌ها را در این زمینه، مشخص نماید و در ادامه چگونگی پیوند شعر دفاع مقدس را با عاشورای حسینی نشان دهد.

۱. دوره‌های شعر عاشورایی

۱.۱. ادبیات فارسی

حضرت امام حسین (ع) و قیام عاشورا به عنوان یکی از مشخصه‌های اصلی شعر آیینی و شیعی در ادبیات فارسی و عربی پیشینه طولانی دارد. شعر عاشورایی که آغاز آن، همپای شعر دری دانسته شده (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۱۳) به دلیل شرایط سیاسی تا پایان قرن نهم نمود چندانی ندارد، اگرچه در تمام این دوره شش قرنه حضور داشته است و

شیعیان و شاعران شیعی با وجود مشکلات و آزار و اذیت بسیار، چراغ آن را روشن نگه داشته‌اند و رفته رفته در پایان این دوره به فراوانی رسیده است. دوره‌های شعر عاشورایی را در زبان فارسی می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد:

عصر اول: از قرن چهارم تا قرن نهم؛

عصر دوم: دوره حکومت صفویه؛

عصر سوم: دوره حکومت افشاریه، زندیه، قاجاریه؛

عصر چهارم: دوره معاصر (از سال ۱۳۰۰ خورشیدی به بعد).

اما دوره اول شعر عاشورایی، عصر تلمیح و تلویح است و شعر فخیم عاشورایی مربوط به قرن‌های پایانی این دوره است که با حضور شاعرانی نظیر عطار و مولانا نگرش عارفانه و با شاعرانی مانند خواجوی کرمانی و ابن حسام، دیدی عاشقانه بدان قابل استناد است. عصر دوم دوره فراوانی شعر عاشوراست. نخستین جان‌مایه این عصر، حماسه است و حماسه‌نامه‌ها در این دوره شکل گرفته‌اند و عراق و خرافه‌پردازی نیز کم و بیش چهره می‌نماید و نهایتاً نگاه عاشقانه در شعر شاعرانی نظیر فضولی بغدادی، واعظ قزوینی، بیدل و فیاض لاهیجی ردپایی می‌یابد. سوگ و مرثیه بیش از هر چیز در شعر صفویه بسامد داشته است.

پرداخت مثنوی‌های عارفانه با حضور شاعرانی نظیر «نیر تبریزی»، «صفی علی‌شاه اصفهانی» و «عمان سامانی» ویژگی عمده شعر عاشورایی قاجاریه است، همراه با مردم عصر بیداری و نگاه متفاوت به عاشورا، تعبیر عاشقانه «نیاز جوشقانی» نیز قابل توجه است، وی از بهترین مقلدان محتشم کاشانی بوده و در نگاه عرفانی نیز سرآمد تمام شاعران عاشورایی قبل از خود است (انسانی، ۱۳۸۲: ۱۷).

دوره معاصر که با غزل‌های عاشورایی فؤاد کرمانی شروع می‌شود و در ادامه به عرفان و شناخت عمیق شاعران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس پیوند می‌خورد.

۲.۱. ادبیات عربی

شعر عاشورایی را در گستره ادبیات عربی، می‌توان به چهار دوره مشخص تقسیم نمود: الف) دوره امامان که با شهادت امام حسین (ع) شروع و با غیبت امام زمان (عج)

پایان می‌یابد.

ب) دوره پس از غیبت که از اوایل قرن چهارم هجری آغاز و تا پایان قرن ششم هجری ادامه می‌یابد.

ج) دوره سوم که از ابتدای قرن ششم شروع و با پایان قرن نهم خاتمه می‌یابد.

د) دوره چهارم از قرن دهم شروع و تا روزگار ما تداوم یافته است.

شاعران شیعی تحت تأثیر رویکرد ائمه (ع) نسبت به قیام امام حسین (ع) در دوره اموی و عباسی، به انعکاس شاعرانه این رخداد مکتبی و ابعاد گوناگون آن در آفریده‌های شعری خود پرداختند و دفاع از حریم ولایت و مقدّسات اسلامی که به نحو کامل در قیام امام حسین (ع) تجلّی یافته بود، به شعر شاعران بزرگی همچون سید حمیری، کمیت اسدی، دعبل خزاعی، منصور نمری، دیک الجن و ابن رومی راه یافت. صراحت لهجه و ربط حادثه کربلا به سقیفه، از مشخصات شعر عاشورایی این دو دوره است. عصر سوم، عصر انحطاط ادبی، لفظ پردازی و کم ارزشی محتواست و چنین تنزّلی، در شعر حسینی نیز بی تأثیر نبوده است. نک: (خزعلی، ۱۳۸۱: ۶۷-۹۱). اما از قرن سیزدهم به بعد، با بروز حرکت‌های نو در ادبی عربی؛ شاهد تغییرات زیادی در شعر عاشورایی هستیم که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. نقاط اشتراک و افتراق شعر عاشورایی فارسی و عربی معاصر

بُعد فردی و اجتماعی شخصیت امام حسین (ع) و میزان رویکرد شاعران به هریک از آن ابعاد، از مسائل قابل بررسی در اشعار عاشورایی فارسی و عربی است. صفاتی چون صداقت، مقاومت، اخلاص، صبر، ایمان و... نشان دهنده شخصیت فردی امام (ع) و صفاتی چون هدایت‌گری، نجات بخشی، یاری‌گری، حیات بخشی و... بیانگر تعامل ایشان با جامعه خویش بوده و بُعد اجتماعی شخصیت وی را نشان می‌دهد. حتی توصیف صفات ظاهری و جسمی ایشان نیز از نظرها دور نمانده است. همچنین تعابیر و اصطلاحات و صفات به کار گرفته شده توسط شاعران، حکایت از حضور ادبیات بُکایی و حماسی در هر دو زبان دارد، امری که ناشی از اختلاف در نوع نگاه به جریان

عاشورا به عنوان یک تراژدی و یا یک انقلاب و نهضت حیات بخش است. نکته قابل توجه در مورد سبک زبانی اشعار عاشورایی فارسی و عربی در این است که چون شاعران، مرثیه‌های خود را برای تفوق و چیرگی بر دیگر شاعران نمی‌سرودند، بلکه رساندن پیام عاشورا در قالب نافذ شعر به توده مردم، مهم‌ترین هدفی بود که فکر آنان را به خود مشغول نموده بود؛ از این رو اشعارشان را با الفاظ ساده و روان می‌سرودند تا نقلش در محافل و انتشارش در میان همگان به آسانی انجام گیرد.

در ورای این اشتراکات، اختلافات قابل ملاحظه‌ای نیز در شعر عاشورایی دو زبان در پرداختن به شخصیت امام حسین (ع) وجود دارد که موجب تمایز دو ادبیات می‌گردد. از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به میزان توجه شاعران دو ملت به ذکر نسب و مدح خاندان امام حسین (ع) اشاره کرد. ایشان در اشعار خویش، امام حسین (ع) را با تعبیری چون نواده پیامبر (ص)، پسر بتول، پسر زهرا، فرزند شیر خدا، فرزند علی، تربیت یافته پیامبر (ص) و... معرفی کرده‌اند. بررسی اجمالی اشعار عرب نشان می‌دهد که آنان بیش از شاعران ایرانی به این موضوع پرداخته‌اند. مدح نسب آن حضرت، زمانی به اوج می‌رسد که با فضایی مانند شجاعت، درایت، مردانگی و وفاداری درآمیزد. عادل غضبان شاعر سوری، در این زمینه، می‌گوید که امام حسین (ع) شجاعت و دانایی را از هاشم (بنی هاشم) و اصالت را از حضرت زهرا (س) به ارث برد و با دو فضیلت جوانمردی و وفاداری، به نبرد با دل‌های دوستان و پیروانش پرداخت. (دل دوستانش را مسخر خود کرد):

وَرِثَ الشُّجَاعَةَ وَالنَّهْيَ عَنِ هَاشِمٍ وَالنَّبْلَ رَقْرَاقًا عَنِ الزَّهْرَاءِ
وَعَزَا قَلْبُوبَ دُعَاتِهِ وَعِدَاتِهِ بِفَضِيلَتَيْنِ: مَرُوءَةٌ وَوَفَاءٌ

نقل از (طریحی، ۱۴۰۹: ۸)

اما مدح نسب و خاندان امام حسین (ع) نیز در شعر فارسی وجود دارد هر چند مانند شعر عربی برجسته نیست:

حسین بن علی فرزند زهرا که نور چهره‌اش عالم گرفته
(رسا، ۱۳۴۰: ۳۸۹)

من از تبار عشق و ایثار و جهادم آزادگی سرچشمه گیرد از نهادم
جدّم رسول الله ختم المرسلین است با بام علی یعنی امیر المؤمنین است
(مؤید، ۱۳۷۳: ۹۸)

در این میان، گاه شاعر در توصیف شخصیت امام حسین (ع) به گرایش‌های ملی
تمایل پیدا می‌کند و ایشان را متعلق به قومیت خود می‌داند. از آن جمله «حلیم دمّوس»
می‌گوید که فرزند زهرا (س)، در دنیا و آخرت، مایه افتخار عرب است:

هذا ابن فاطمة الزهراء مَفخرَةٌ للعرب ما بین دُنیاہ و آخراہ
(نقل از طریحی، ۱۴۰۹: ۵۶)

در توصیف صفات جسمانی امام حسین (ع) نمونه‌های کمی در شعر فارسی
وجود دارد:

رخ زیبایش بهشت است و قد موزونش طوبی و خالش رضوان و لبش کوثر اوست
مهر او دار نعیم و کرمش نعمت او قهراو دار جحیم و سخطش آذر اوست
(بهار، ۱۳۵۴: ۱ / ۱۹۹)

۳. خصال برجسته امام حسین (ع) در شعر فارسی و عربی معاصر

۱.۳. هدایت‌گری

نکته قابل توجه این است که شاعران هردو زبان، از میان صفات آن حضرت،
بیشترین اهمیت را به هدایت‌گری ایشان داده و با استفاده از تعابیر مختلف، بر مسأله «إنّ
الحسین مصباح الهدی و سفینة النجاة» تأکید ورزیده‌اند:

به زیر چتر بلند سپهر آبی پوش وجود شب شکنش چل چراغ عرفان بود
شکفته سوره نور هدایتش بر لب درون کشتی دل نوح اهل ایمان بود
(مردانی، ۱۳۷۷: ۴۲)

محمد سماوی، شاعر عراقی چنین می‌گوید:

شاد عماد الهدی و أطلعه بدراً یوازی بدر السما وضحہ
غداً یُشید الهدی و یرفع ما کان أبوه النبی قد فتّحه
(نقل از شبّر، ۱۴۰۹ هـ: ۱۰ / ۲۶)

ترجمه: ستون هدایت را بنا کرد و آن را چون ماهی تمام، نمودار ساخت که در روشنایی بسان ماه آسمان بود. فردا هدایت را استوار می گرداند و آن چه پدرش پیامبر (ص) به دست خویش گشوده بود، مرتفع می سازد.

۲.۳. شجاعت و دلاوری

شجاعت و دلاوری یکی دیگر از فضایل بارز امام حسین (ع) است که شاعران در بیشتر اشعار خود به توصیف آن پرداخته اند:

همچو علی، بر معرکه با تیغ آبدار / با دشمنان دین خدا کرد کارزار
(مشفق کاشانی، ۱۳۶۵: ۲۶۸)

ریزد شجاعت از سرشمشیر تیزم / با یک جهان لشکر به تنهایی ستیزم
(مؤید، ۱۳۷۳: ۹۸)

گرمارودی در توصیف مقاومت و پایداری امام حسین (ع) ایشان را به سنگ مانند کرده است:

تورا باید در راستی دید / و در گیاه / هنگامی که می روید / در آب / وقتی می نوشاند / سنگ / چون ایستادگی است / شمشیر / آن زمانی که می شکافد / (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۴۱)

عبدالحسین آرزوی شاعر لبنانی، امام حسین (ع) را دلاور مردی توصیف می کند که اراده آهنین وی به صخره های سخت ماند؛ چنان که پهلوانان از رویارویی با او ابا دارند:

مُتَّصِلٌ بِالذُّودِ عَزَّ / مَأْمَلٌ صَخْرَةَ صُلْدَا
بَطْلٌ تَحَامَتَهُ الْكَمَاةُ / كَمَا تَحَامَى الْحَمْرُورِدَا
(آرزوی، بی تا: ۳۲۸)

محمد کامل عاملی، امام حسین (ع) را قهرمانی تصوّر می کند که قصد دارد با ورود به کارزار، مرگی برق آسا به دشمن وارد نماید:

رَكِبَتْ مُشَوِّراً لِلْحَرْبِ حَتَّى / أَذَقَتْ بِهَا الْعِدَا الْمَوْتَ الرَّؤُومَا
(نقل از نورالدین، ۱۴۰۸: ۱۳۵)

مصطفی جمال الدین، شاعر عراقی معاصر، امام حسین (ع) را در برابر سیل دشمن،

خروشان و مقاوم به تصویر کشیده که پیروزی و شکست برای وی اهمیتی ندارد و تنها به دنبال هدف والای خویش است:

ووقفتَ حيثُ أراحَ غيرُكَ نفسَه
والحقُّ بينكما يُهيبُ ويرغبُ
فصمدتُ للثَّيارِ تشمخُ هادراً
سَيانُ أغلبُ موجَه أو أغلبُ
(جمال الدين، ۱۴۱۵: ۵۰۶)

۳.۳. ظلم ستیزی

گرمارودی امام حسین (ع) را دشمن ستم می نامند:
ای باغ بینش / ستم، دشمنی زیباتراز تو ندارد / (موسوی گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۵۰)
عبدالقادر ناصری او را بزرگ مردی می داند که برای برقراری عدالت و از بین رفتن ستم، سازش را نپذیرفت و مرگ را به جان خریدار شد:

أفديك من بطل أبي إلا الزدي
أو يستقرَّ العدلُ في الإسلام
(نقل از طریحی، ۱۴۰۹: ۳۲)

۴.۳. ایمان

امام حسین (ع) در شعر علیرضا قزوه، نماد ایمان است:
بوسه برزخمی که انسان خورده بود
بوسه بر بغضی که ایمان خورده بود
(قزوه، ۱۳۸۶: ۲۵۷)
ادوار مرقص (۱۹۴۸) شاعر و ادیب سوری، امام حسین (ع) و یارانش را سپاه بی پایان ایمان می نامد و کربلا را شاهی بر قوت ایمان آنان می آورد:

إيهاً بهم سبَّطُ النبيِّ و عنده
جيشٌ من الإيمان ليس بنافذ
حسبُ الفتى من قوَّة إيمانه
ولكربلاءَ عليه أصدقُ شاهدٍ
(نقل از شبیر، ۱۴۰۹: ۱۰ / ۴۳)

۵.۳. فریادرسی

وگرمارودی چنین می گوید:
ای باغ بینش / ستم، دشمنی زیباتراز تو ندارد / و مظلوم، یاوری آشناتراز تو
(گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۵۰)

هادی کاشف الغطاء، امام حسین (ع) را فریادرس می خواند:
 ویا غوثَ الصَّریخِ مِنَ الْمُحامِیِ إذا ما فاجأَ الحَظْبُ المَهوُلُ
 (نقل از خاقانی، ۱۴۰۸هـ: ۱۲ / ۳۷۹)

۶.۳. الگویی برای مبارزه

در دهه های اخیر، شاعران عرب بیش از شاعران ایرانی به بُعد سیاسی حرکت امام حسین (ع) توجه داشته اند و در اشعار خود به تبیین الگو بودن امام حسین (ع) برای مبارزه با حاکمان فاسد پرداخته اند. بی عدالتی، سخت گیری های موجود، روحیه سازش پذیری سران، تسلیم و ناامیدی از تحولات اساسی در جامعه عرب و فقدان رهبری واحد در میدان مبارزه، باعث گردید تا شاعران با الهام از عاشورا، صفاتی را از شخصیت امام حسین (ع) انتخاب و در اشعارشان منعکس کنند که برخلاف روحیه حاکم در جامعه باشد. حضور امام حسین (ع) به عنوان یک مبارز و پیوند میان قیام کربلا و حوادث جاری جامعه عرب از ویژگی های شعر عاشورایی عربی معاصر است.

احمد دحبور شاعر پرآوازه فلسطینی در قصیده ای به نام «العودة إلى کربلاء»، با کربلا درد دل می کند و چهره حاکمان خائن به فلسطین را رسوا نموده و می گوید همان کسانی که کربلا را فروخته اند، قصد فروش و تقسیم فلسطین را نیز دارند، اما ملت فلسطین با راهنمایی گرفتن از کربلا در مقابل آنان سر تسلیم فرود نمی آورند:

یا کربلا! تفور فی النار / رأیت من باعوک / باعونا معاً / وتقاسمونا فی المزداد فما انقسمنا / کنت فیک النهر والتحمت بعشبک ضقتای / وقلت فیک، کما رأیت، أنا هو النهر القتیل / فلیخرج الماء الدفین إلى / ولیکن الدلیل / (دحبور، ۱۹۸۳: ۲۵۸)

و اعلام می دارد زمان جانبازی فرا رسیده است چرا که تنها راه رسیدن به کربلا، از خود گذشتگی بوده و نباید در انتظار معجزه بود:

هذا زمان للبطولة أو الجنون / ... لیس الوصول إلیک معجزة / (همان: ۲۶۲)

یحیی عبدالأمیر شامی شاعر لبنانی، با مخاطب قرار دادن عاشورا، از دوره طولانی افسردگی و خواب امت اسلامی و طغیان گرانی که پیوسته در بلاد اسلامی عربده می کشند، شکوه کرده و از وی می خواهد تا مسلمانان را از خواب غفلت بیدار کرده و در

آنان خیزشی ایجاد نماید:

یا یوم عاشوراء طال زقادنا وَمَصَّى الطُّغَاءُ يُعْرِبِدُونَ كَثِيرًا
(نقل از نورالدین، ۱۴۰۸: ۱۵۸)

آدونیس شاعر برجسته سوری، از زبان امام حسین (ع)، او را بی حد و مرز و متعلق به تمام زمان ها و مکان ها معرفی می کند که مرزهای او، مرز خورشید و انسانیت است. امام حسین (ع) زنده است و سرتاسر دنیای بشری را در می نوردد تا مرزها را از میان بردارد و به بشریت خیزش بیاموزد:

لی وطن / لایعرف التَّخوم، لاتحدّه الشَّطآن / تحدّه علامتان... الشَّمس والإنسان /
وها أنا أطوف / کی أزلزل الحدود / کی أعلم الطوفان / (آدونیس، ۱۹۸۸: ۱۱۵)

مظفر نواب، شاعر برجسته عراقی در قصیده ای به نام «وتریات لیلیة» با استفاده از حادثه کربلا، حاکمان ستمگر عرب را به شدت مورد نکوهش قرار می دهد:

هذا رأس الثورة يُحمل في طبق في قصر يزيد / وهذي البقعة أكثر من يوم سباياك /
قيل لله وللحاکم ورأس الثورة! / هل عرب أنتم...؟! / ويزيد على الشرفه / يستعرض في
أعراض عراياکم / ويوزعهن کلّحم الضّان لجيش الردّة / هل عرب أنتم...؟! / وأنا في
شک من بغداد إلى جدة / هل عرب أنتم...؟! (نواب، ۱۹۶۶: ۴۵۶).

«قاسم حدّاد» در قصیده ای به نام «خروج رأس الحسين من المدن الخائنة» سر امام حسین (ع) را به مثابه پرچمی برای راهنمای عدالت طلبان و رمز انقلاب و عصیان علیه ستمگران می داند و با توصیف اوضاع کشورهای عربی به آتش زیر خاکستر، اظهار می دارد که مردم مظلوم و گرسنه، منتظر ورود سر مبارک امام حسین (ع) هستند:

صاحب الرأس! / نسیر بلاحيرة - كانت الحيرة مثل القناديل / فی جلدنا / نسیر علی
أرض کلّ الشوارع /... علی أرض کلّ الشوارع فی مدن الثّورة النائمة / زحفنا، ولّمّا فتحنا
کتاب السماء / ولّمّا عرفنا الدماء / توقّف نبض الحديد والتراب، ونبذ داخله الکائنات
/ وكيف نحرّ الرؤوس ونزرعها عبر العصور / فنحن الحسين الممزّق بين دمشق وبين
الخليج / ونحمله ونستريح علی سورة المومياء /... ويستقبل الجوع رأس الحسين ويفتح
باب الحريق / ليدخل رأس الحسين / (حدّاد، ۱۹۷۲: ۶۲)

عبدالرحمن شرقاوی، شاعر و رمان نویس برجسته مصری در نمایش نامه «الحسین ثائراً و شهیداً» که به روایت حادثه خونین کربلا می‌پردازد، در لابلای حوادث، پیام عمیق آن را به انسان معاصر می‌رساند. وی سر مبارک امام حسین (ع) را چون پرچمی می‌داند که مستضعفین علیه مستکبرین عالم برافراشته‌اند وی از زبان حضرت زینب (س) چنین می‌گوید:

إيه يا رأس أخی / إيه يا رأس الشَّهيد / إيه يا رأس البطل / إيه يا رأس الشَّهيد کونی رایة المستضعفین. (شرفاوی، ۱۹۸۵: ۴۳۲)

شرفاوی از زبان امام حسین (ع) می‌گوید: اگر مردم در مقابل ستم، سکوت کنند؛ حادثه کربلا مجدداً تکرار شده و حسین (ع) را سر می‌برند و این امر بارها اتفاق خواهد افتاد:

فلتذكروا وثأری العظیم لتأخذوا من الطَّغاة / وبذاک تنتصر الحیاة / فإذا سکتُم بعد ذلك على الخديعة / وارتضى الإنسان ذلَّه / فأنا سأذبح من جدید وأظلل أقتل من جدید / وأظلل أقتل كل يوم ألف قتلة / (همان: ۴۳۹)

نزار قبانی شاعر برجسته سوری نیز امام حسین (ع) را نماد مبارزه می‌داند: یا سیدی! یا سید الأحرار! / لم یبق إلا أنت / فی زمن السقوط والدمار / فی زمن التراجع الثوری (قبانی، ۱۹۸۶: ۳ / ۶۳۴)

أمل دنقل شاعر برجسته مصری در قصیده‌ای به نام «من أوراق ابونواس» با تعجب می‌گوید که اگر سخن و شمشیرها و جلال امام حسین (ع) حق را از دست باطل نجات نداد پس چگونه باید انتظار داشت تا یاوه‌گویی شاعران از عهده این کار برآید؟! إن تکلف کلمات الحسین / و سیوف الحسین / و جلال الحسین / سقطت دون أن تنقذ الحق / أفتقدر أن تنقذ الحق ثرثرة الشعراء؟! / (أمل دنقل، بی‌تا: ۳۸۴)

جواد جمیل، شاعر انقلابی عراق از زبان امام حسین (ع)، از مردم می‌خواهد تا در جستجوی وی در شهرهایی که مردمش بر حسین (ع) فقط سوگواری می‌کنند، نباشند چرا که او از زمان شهادتش تنها در شهرهایی حضور دارد که نبض حیات و مبارزه در آن زده می‌شود:

لاتبَحِثُوا عَنِّي / فِي مَدَن صَخْرِيَّة / مَمْطُورَةٌ بِالذَّمْعِ وَالْحَزَنِ / فَإِنِّي مَا زِلْتُ مِنْذُ رَحَلْتِي
 / فِي مَدَنٍ مَسْكُونَةٍ، دُونَ سَوَاهَا / بِاللَّيْكَاكِينِ وَبِالسِّيُوفِ /
 و بدر شاکر سیاب دیگر شاعر نامدار عراقی، با روحیه استکبار ستیزی خویش، خطاب
 به یزید، از او می‌خواهد تا شاهد جاودانگی نام امام حسین (ع) در طول زندگی بشر باشد
 که چون مشعلی پرنور هرگز به خاموشی نمی‌گراید:

وَانظُرْ إِلَى الْأَجْيَالِ يَا خُذْ مُقْبَلِ عَنْ ذَاهِبِ ذِكْرِي أَبِي الشَّهْدَاءِ
 كَالْمَشْعَلِ الْوَهَّاجِ إِلَّا أَنهَا نَوْرُ الْإِلَهِ يَجِلُّ عَنْ إِطْفَاءِ

(سیاب، ۲۰۰۰: ۴۳/۱)

مصطفی جمال‌الدین نیز امام حسین (ع) را چون شعله‌ای نورانی در مسیر بشریت
 و ندایی وجدانی که گام‌های لغزان و خطاکار را به راه راست رهنمون می‌شود، معرفی
 کرده است:

مَوْلَايَ أَنْتَ لِكُلِّ جَيْلٍ صَاعِدٍ قَبْسٌ يَنْبُرُ لَه الشُّرَى وَيُجَبِّبُ
 وَأَنْتَ إِنْ زَلْتِ بِه قَدَمُ الْهَوَى صَوْتُ الضَّمِيرِ رِدُّهُ وَيَوْنُبُ

(جمال‌الدین، ۱۴۱۵: ۵۰۷)

اما حضور رهبران و شخصیت‌های دینی در دوره مشروطه و در دهه‌های اخیر، شاید
 دلیلی باشد بر اینکه شاعران ایرانی با وجود حاکمان ظالم و سرسپرده در کشور، چنین
 نیازی را در خود و جامعه خویش احساس نکرده‌اند، لذا به این موضوع نپرداخته‌اند.

۴. اشعار عاشورایی فارسی دوره معاصر

همان‌طور که اشاره شد شعر عاشورایی دوره معاصر با غزل‌های عاشورایی فؤاد کرمانی
 شروع می‌شود و در ادامه به عرفان و شناخت عمیق شاعران انقلاب اسلامی و دفاع
 مقدس پیوند می‌خورد.

تمام اشعار عاشورایی فؤاد، عاشقانه است. با آن‌که فؤاد در عصر معارضات سیاسی و
 دوره بیداری می‌زیسته است، هرگز اندک تغییری در لحن شعرهای عاشورایی وی دیده
 نمی‌شود. نه از منظر حماسی به واقعه کربلا نگاه کرده و نه با دیدگاه‌های متداول عصر
 خود پیوند خورده است. نکته قابل توجه در شعر عاشقانه فؤاد، تأکید بر عشق ورزی امام

حسین (ع) و اصحاب او نسبت به خداوند است؛ البته از دل دادگی خود نیز نسبت به امام حسین (ع) غافل نیست:

گر بود روز حسین دیدن رویت نصیب
کاش هر روزم ز مشرق سرزدی روز حسین
گرتو بردرد گنهکاران طیبی یا حسین
من خوشم با دردمندی که توأم باشی طیب
... گربشکافی هنوز قبر شهیدان عشق
آید از آن کشتگان زمزمه دوست دوست

(فؤاد، ۱۳۷۱: ۱۴۳-۱۴۶)

فؤاد، تنها امام حسین (ع) را شایسته عشق بازی می‌داند و شاید به همین دلیل است که در شعر خود از دیگران هیچ نامی نمی‌برد:

کنگره عشق است نیست منزل هر بوالهوس
طایراین آشیان جان حسین است و بس
قله قاف وجود منزل عنقا بود
بر سر این آشیان پرنگشاید مگس

(همان: ۱۸۲)

هیچ یک از آثار عاشورایی فؤاد از مایه تغزل خالی نیست و از این حیث او شاعری کاملاً یگانه است. صفای ضمیر همراه با درک عمیق عاشقانه، شعر فؤاد را برتر و البته جذاب‌تر و دل‌پذیرتر نشانده است.

در کنار فؤاد از دیگر شاعرانی که دیدی عاشقانه و عارفانه نسبت به امام حسین (ع) دارند، می‌توان به ریاضی یزدی، اشاره کرد:

پناه رهروان راه عشق است شهیدان خدا را شاه عشق است

(ریاضی یزدی، ۱۳۷۱: ۳۲۸)

نکته قابل توجه در اشعار عاشورایی معاصر، کاربرد واژه «شاه» برای معرفی امام حسین (ع) است که ریشه در ایران باستان دارد. عباراتی مانند: شاه، شاه مظلوم، شاه شهید،

شاه تشنه لب، شهسوار معرکه کربلا و... در دهه های آغازین معاصر، کاربرد فراوانی داشته است.

۱.۴. انقلاب اسلامی و شعر عاشورایی

قیام عاشورا به عنوان الگویی ارزشمند و کامل از ابتدا پشته‌فکر انقلاب اسلامی و بارزترین اسوه و الگوی مبارزه شد. شعارهای مفقود عاشورا که هرگز در سروده‌های شاعران سده‌های پیشین به کار گرفته نشده بود، در فرهنگ مبارزه و جهاد راه یافت و شعر، آکنده از جملات و اشاراتی شد که ملهم از عاشورای حسینی بود. امام خمینی (ره) نیز برای ملت، یادآور امام حسین (ع) و حق طلبی و ظلم ستیزی آن حضرت بود:

این کیست که سیمای حسینی دارد در کف، عَلم فتح حسینی دارد
از هاله رویش رخ مهتاب خجل عشق است ولی نام خمینی دارد
(شاعر شهید قنبرزارع، نقل از مردانی، ۱۳۷۷: ۳۲)

این ثار حسین است نه مولود خمین این یار محمد است و سردار حنین
این قصه ناب نامکرر، حافظ! تکرار حسین است، حسین است، حسین
(امین پور، ۱۳۶۳: ۲۳)

امروز پیکار یزیدی و حسینی ست در کربلای ما حسین خمینی ست
(موسوی گرمارودی، ۱۳۶۲: ۱۹۸)

۲.۴. دفاع مقدّس و شعر عاشورایی

با وقوع جنگ تحمیلی، ادبیات پایداری در ایران، رنگ و رونق چشمگیری یافت و یکی از نتایج آن، پیدایش «شعر جنگ» بود که بخش مهمی از تاریخ ادبیات معاصر ما را تشکیل می‌دهد. شعر جنگ، از لحاظ فرم و محتوا، دارای ویژگی‌های مخصوص به خود است که حضور ابعاد گوناگون فرهنگ عاشورا یکی از این مشخصه‌ها است.

جنگ هشت ساله ایران با عراق، مشابهت‌های بسیاری با نبرد حق علیه باطل در کارزار کربلا داشت و باعث شد تا این دو حادثه، از جهات متعدّد به هم پیوند بخورد. هم‌چنان که عرصه‌های مختلف جنگ متأثر از حادثه عاشورا بود، شعر جنگ نیز از آبخور این فرهنگ غنی سیراب شد و لحظات ناب شاعرانه‌ای را برای شاعران این دوره

از ادبیات ایران، خلق کرد. از سوی دیگر، ضرورت دفاع از میهن، ایستادگی بر سر آرمان حفاظت از انقلاب نوپا که با هدف احیای اسلام شکل گرفته بود؛ باعث برجسته شدن ابعاد حماسی عاشورا شد. حماسه عاشورا که تا پیش از انقلاب، عمدتاً به عنوان یک سوگ بزرگ به آن نگریسته می‌شد، در سروده‌های شاعران دفاع مقدّس به عنوان یک حماسه مطرح شد که این نگاه حماسی به عاشورا، در تاریخچه شعر عاشورایی فصل تازه‌ای گشود.

حماسه در شعر دفاع مقدّس آمیزه‌ای از شهادت، ایثار، ستم ستیزی و آرمان خواهی انسانی است و کربلا، تبلور تمامی این جلوه‌هاست و شاعران مضامین عاشورایی و کلمات و ترکیبات عظیم آن، همچون ایثار، شهادت، حسین (ع)، تیغ، شمشیر، خنجر، علم، خون، مقاومت، تشنگی و... استفاده می‌کند و شکوه حماسه رزمندگان اسلام را با شکوه حماسه آفرینی شهیدان کربلا پیوند می‌زند:

باز سرها به نیزه می‌خواهند خولیای در پناه جوشن‌ها
هان مبادا حسین (ع) دیگر بار در مصاف یزیدیان تنها

(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۲۷)

بنگر که چگونه «من» رها کرد و گذشت از خویش بریده عزم «ما» کرد و گذشت
«هل من» چوشنید پای در راه نهاد بر خون حسین (ع) اقتدا کرد و گذشت
(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۳۴)

امروز به گوش می‌رسد ناله عشق این خاک پراست از گل و لاله عشق
در خون و حماسه باز تکرار شده تاریخ هزار و چهارصد ساله عشق
(وحیدی، ۱۳۷۷: ۹)

شعر جنگ از آن جا که با واقعیتی عینی در خارج مواجه بود، از نظر مضمون و محتوا، سرشار از روح حماسی بود. دلاوری‌ها، مقاومت و پایداری و فداکاری رزمندگان و حضور زن و مرد و پیرو جوان در عرصه نبرد، از جمله مسائلی بود که به سرعت در شعر راه یافت و از آن جا که این جنگ، برای همگان، مصداق کاملی از جنگ حق علیه باطل بود، مضامین اعتقادی و از جمله فرهنگ عاشورا جزء اصلی‌ترین درون مایه‌های شعر این

دوره گردید. در این نبرد نابرابر که از جهات مختلف به واقعه عاشورا مشابهت داشت، همان تقدّس و همان مظلومیت مشاهده می‌شود و دفاع از آرمان و عقیده، آن را به یک دفاع مقدّس تبدیل کرده است. در شعر این دوره، علاوه بر مظلومیت و سوگ و مرثیه که جزء جدایی ناپذیر هر دو حادثه بود، روح حماسی و حماسه سرایی برجسته‌تر و پرنرنگ‌تر از پیش نمودار شد و شاعران با سلاح قلم، این روحیه را به رزمندگان و نیز مردم منتقل می‌کردند، تا آن جا که منجر به رواج قالبی در شعر فارسی به نام «غزل حماسی» گردید. در این زمینه می‌توان به ابوالقاسم حسین جانی از شاعران خوش قریحه و توانمند معاصر که رویکرد آیینی، جزئی از شناسنامه و هویت شعری اش به شمار می‌رود، اشاره کرد و می‌توان گفت با همین یک بیت در تاریخ ادبیات ایران زمین ماندگار خواهد شد:

جاده و اسب مهتابست؛ بیا تا برویم کربلا منتظر ماست؛ بیا تا برویم
(وحیدی، ۱۳۷۷: ۵۶)

ردیفی که شاعر برای این غزل انتخاب کرده، باعث شده تا در طول ساختار شعر، همواره حرکت به خوبی محسوس باشد و می‌توان بعد آن را به کربلا و تاریخچه شکل‌گیری آن نسبت داد. مگر نه آن که حرکت امام حسین (ع) جز برای روشننگری بوده است؟!، یعنی؛ همان نکته‌ای که در بیت دوم این غزل پیداست و جمله «بیا تا برویم» آن را به تصویر می‌کشد:

خاک در خون خدا می‌شکفد، می‌بالد آسمان غرق تماشا است بیا تا برویم
(همان: ۵۶)

خاکی که آدم از آن آفریده شده است و در هنگام آفرینش آن نیز اعتراض فرشتگان به خداوند را به همراه داشته است امروز و در کربلا این خاک در کالبد روحانی حسین (ع) به خود می‌بالد و شاعر با هنرمندی، پارادوکس «آسمان» و «غرق» را در کنار هم قرار می‌دهد، آسمان که نماد اوج و بزرگی است چگونه در تماشای حسین (ع) و عظمت کربلا محو می‌شود؟!:

تیغ در معرکه می‌افتد و برمی‌خیزد رقص شمشیر چه زیباست؛ بیا تا برویم
(همان: ۵۶)

در این بیت نیز شاعر، لحظه معرکه و نبرد را از زاویه دید حضرت زینب (س) به تصویر می‌کشد که فرمود: «ما رایت إلا جمیلاً» (رقص شمشیر چه زیباست؛ بیا تا برویم). از دیگر نکات مهم در ارتباط با این غزل این است که از معدود اشعار عاشورایی است که در آن کمتر سوگ و ماتم وجود دارد و شاعر در شعری که سراسر پویایی و حرکت است، کاملاً به عاشورا از بُعد اندیشه، عرفان و زیبایی نگاه کرده است:

از سراشیبی تردید اگر برگردیم عرش زیر قدم ماست بیا تا برویم
ز ره از موج پپوشیم ردا از توفان راه ما از دل دریاست بیا تا برویم

(همان: ۵۷)

نصرالله مردانی در ارائه فضای حماسی آمیخته با تغزل، از واژه‌هایی که مناسب تصویر صحنه‌های حماسی هستند و از تلفیق گویا و زیبایی صحنه‌های دفاع مقدس با حماسه خونین بزرگ مردان عاشورا کمک می‌گیرد و در القای هرچه زیباتر و شکوهمندتر معانی ذهنی خود به مخاطب می‌کوشد و به حق باید گفت در بسیاری از موارد، موفق عمل کرده و با قلم تخیل تصویرساز خود، خواننده را مسحور غزل‌های نغزو باشکوه خویش ساخته است. ابیاتی از غزل «حماسه خونین» او را زمزمه می‌کنیم:

بخوان حماسه خونین کربلا با ما که شد بسط زمین جمله همصدا با ما
سربریده به میدان عشق می‌گوید حدیث خون شهیدان نینوا با ما
فرات اشک ز چشمان پاک می‌شوید به سوگواری گل‌های کربلا با ما
دوباره پیکر صد چاک لاله آرند ز کوچه‌های بهشتی فرشته‌ها با ما
به دشت‌های شقایق نشان ما جویید که سرخ روی چمن می‌کند صبا با ما

(وحیدی، ۱۳۷۷: ۱۲۲)

۱.۲.۴. جلوه‌های عاشورایی دفاع مقدس

جلوه‌های حماسی این رویداد بزرگ تاریخی به اشکال متنوع در شعر دفاع مقدس نمودار شده که به اجمال به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۱.۱.۲.۴. عدم سازش با ستمگر

تجلی شکوهمند روحیه عزت‌مداری و سازش نکردن با ظالم در زندگی و شخصیت

امام حسین (ع) در شعر دفاع مقدّس نیز انعکاس یافته است:

ندانی که ما جمله آزاده ایم چو شیرازی رزم آماده ایم
نگهبان این سرزمین خون ماست گواهِش همین خاک گلگون ماست
هر آن کو که راه حسینی گزید کجا می نهد سربه حکم یزید!
(شاهرخی، ۱۳۶۸: ۲۳۵)

در جنگ چو با خصم بد آهنگ وارسته ز قید سازش و ننگ شدیم
با خصم به کارزار و با خود به نبرد ما مثل حسین، وارد جنگ شدیم
(صالحی، ۱۳۸۷: ۱۱)

۲.۱.۲.۴. ایستادگی و مقاومت

طاهره صفارزاده در سروده‌ای با نام «پیشواز»، ایستادگی و مقاومت رزمندگان را در جبهه با ایستادگی امام حسین (ع) مقایسه کرده و آن را ادامه دهنده همان راه خوانده است. وی با الهام از عبارت معروف زیارت عاشورا «اینی سلم لمن سالمک و حرب لمن حاربکم» چنین می‌سراید:

در سرزمین آبی جبهه / کسی به خویش نمی‌اندیشد / کسی به مرگ و مال نمی‌اندیشد
/ و ارتفاع صخره و کوه / به زیر پای دلیرانی است / کز ارتفاع عقیده / از ارتفاع ایمان
می‌جنگند / از مرز جان چون صخره می‌گذرند / پروازشان از خاک / سوی نور / از بطن
آبی رگ‌ها / بسوی آبی بالاست / و حنجره‌های زخمی / زیر فشار ظلم ابر باطل‌ها / مدام
می‌خوانند / ما در محاربه هستیم / با هر که با حسین در جنگ است / و در صلحیم / با
هر که با حسین در صلح است.

(صفّارزاده، ۱۳۶۶: ۳۵-۴۱)

بازتاب رفتاری حضرت زینب (س)، اسوه صبر و شکوه انقلابی، در مادران و همسران شهدای دفاع مقدّس تجلّی یافته و در شعر حماسی نیز سهمی را به خود اختصاص داده است:

زینب دوران! به صبرت پشت دشمن را شکستی / بر سر نعلش برادر با برادر چون
نشستی / رشته پیوند با هر چه جز مهرش گسستی (مردانی، ۱۳۷۷: ۲۱۵)

۳.۱.۲.۴. شهادت طلبی

نگاه حماسی امام حسین (ع) به مرگ و داشتن روحیه بالای شهادت طلبی، در شعر دفاع مقدس نیز بسیار دیده می‌شود. حمید سبزواری در قصیده‌ای به نام «مشهد نام آوران» که سرشار از روحیه حماسی است، به بیان تفاوت میان مرگ در بسترو شهادت می‌پردازد:

مرگ که در بستر است، مردن بی زیور است مشهد نام آوران، بستریمار نیست
(سبزواری، ۱۳۷۳: ۶۷)

مرگ سرخ در سروده‌های شاعران دفاع مقدس نمونه‌های فراوانی دارد، از جمله:
آنان که به مرگ سرخ لبخند زدند پیمان‌ه حق حسین مانند زدند
با جوشش خود و با سرود تکبیر شب را به خجسته صبح پیوند زدند
(باقری، ۱۳۶۳: ۶۷)

۴.۱.۲.۴. مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت

صدای رسای امام حسین (ع) پس از قرن‌ها به گوش جان رسیده بود و فرزندان که حسین (ع) را اسوه خویش قرار داده بودند، در امتداد قیام او مقابل تجاوزگران، تا پای جان ایستادند:

تا مشهد مردان خدا خون رنگ است با دشمن حق، شیوه مردان جنگ است
روزی که جواب ظالمان خاموشی است روزی است که زیستن، قرین ننگ است
(علی دوستی، ۱۳۶۸: ۱۰۷)

جمله «هیئات من الذلّة» که یکی از حماسی‌ترین جملات امام حسین (ع) بود به صورت یک عقیده درآمد و روح رشادت و دلاوری را در جامعه اسلامی و به تبع آن در سروده‌های شاعران دمید:

مبدر پیش مردان نام تسلیم که مردی از زبونی برکنار است
ز ما «هیئات من الذلّة» بشنو که ما را از حسین این یادگار است
(سبزواری، ۱۳۷۳: ۷۲)

پیکار علیه ظالمان پیشه ماست و ندره دوست مردن اندیشه ماست



هرگز ندهیم تن به ذلت، هرگز در خون زلال کربلا ریشه ماست
(عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۱۲۰)

از رجزهای امام حسین (ع) در روز عاشورا این بوده است:

القتل أولى من ركوب العار و العار أولى من دخول النار
(ابومخنف، ۱۳۸۵: ۳۳)

تجلی این شعار حماسی در شعر دفاع مقدس نیز دیده می‌شود:

برآیید ای ستم سوزان عاشق که ما را با ستم افتاده کار است
ملامت‌گری را گولب فرو بند که مردن پیش ما بهتر از عار است
(سبزواری، ۱۳۷۳: ۷۲)

گر عرصه زندگی به ما گردد تنگ و غرقه خون شویم در عرصه جنگ
یک نام به خون نوشته برسینه سنگ بهتر از هزار نام آلوده به ننگ
(محمد علی مردانی به نقل از شاه‌رخی، ۱۳۶۸: ۲۹۲)

۵.۱.۲.۴. پیوند ابزار جنگی میادین جنگ تحمیلی با کارزار عاشورا

شاعران از ابزار جنگی به کار رفته در قیام کربلا و اصطلاحات جنگی امروزی نیز سود
جسته، تصویرگر صحنه‌های مبارزه گردیده‌اند:

شب بار دگر نیام خنجر شده بود خفاش دوباره سایه گستر شده بود
خورشید سحر سرشک خون می‌بارید یک کرب و بلا ستاره پرپر شده بود
(حسینی، ۱۳۸۶: ۸۲)

در جایی دیگر چنین می‌گوید:

به پیمان مولا ره می‌سپارد از این جا تا خدا ره می‌سپارد
در این خیزابه‌های آتش و خون به شوق کربلا ره می‌سپارد
(همان: ۱۶۲)

و حمید سبزواری چنین می‌سراید:

تیغ برآید تیغ، فرصت گفتار نیست موسم رزم است، رزم، وقت دگر کار نیست
(سبزواری، ۱۳۷۳: ۶۶)

آلاله خجل ز روی گلفام توشد گلگونه شفق ز برکت نام توشد
رفتی به ره حسین (ع) و در آخر کار گل زخم گلوله زیب اندام شد
(ثابت محمودی، ۱۳۶۵: ۷۹)

۳.۴. رنگ در شعر عاشورایی دفاع مقدس

اصولاً رنگ، نشانه بارز یک بُعد فرهنگی یا اعتقادی می‌تواند باشد. به عنوان نمونه در شعر دفاع مقدس استفاده فراوان از رنگ سرخ که برگرفته از حماسه خونین عاشورا است کاملاً مشهود بوده و شاعران به خوبی از جلوه‌های گوناگون این رنگ در تصویرسازی‌های خویش استفاده کرده‌اند؛ به ویژه واژه «خون» در اشعارشان بسیار به کار رفته است: باغ خون، باده خون، سجاده خون، خون پاک، ردیف خون، آب خون، شراب خون، خشاب خون و...

این جرعه کشان مست از باده خون معشوق شهادتند و دل‌داده خون
با بانگ امام نور قامت بستند هنگام قیام روی سجاده خون
(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۳۳)

رنگ سرخ و واژه‌هایی چون: خون، لاله، گلگون، شهادت، شهید که در شعر اکثر شاعران دفاع مقدس آمده است، با واژه‌هایی چون کربلا، حسین، سنگر، سلسبیل، نخل، طوفان، آذرخش، برق، حادثه، جزر و مد، موج، باران، آفتاب و... که نشانه بارز تلفیق و همانند کردن صحنه‌های حماسه عظیم عاشورا با صحنه‌های عشق و شور و حماسه هشت سال دفاع مقدس است و این‌که رزمندگان اسلام در تمام لحظه‌های نبرد، الگوی خود را امام حسین (ع) و یاران باوفای او قرار داده‌اند:

معراج مردان را / قامت بستنی / به زخم حسین (ع) / در ظهر عاشورا / در امتداد
پرسش تاریخی حسین (ع) / فواره‌های خون شما بهترین جواب / و آیه‌های متواتر جهاد
/ با رگبار مسلسل‌های مثنوی بر عشق شما تفسیر می‌شوند (همان: ۱۲۰)

اما در این میان؛ سید علی گومارودی از شاعران برجسته‌ای است که از تعامل و تقابل رنگ‌های سرخ و سبز، برای بیان اشعار عاشورایی خود بهره‌ی زیادی برده که به برخی از اغراض آن اشاره می‌شود:

۱.۳.۴. تأییدن نور امید

گاهی اوقات گرمارودی، از تعامل رنگ‌های سرخ و سبز با یکدیگر برای تعبیر از زنده شدن و درخشیدن نور امید بهره می‌برد:

یا ثار الله / آن باغ مینوی / که تودر صحرای تفته کاشتی / با میوه‌های سرخ / با
نهرهای جاری خوناب / و آن سروهای سبز دل‌آور / باغی ست که باید با چشم عشق دید /
(موسوی گرمارودی، ۱۳۷۵: ۱۵۲)

۲.۳.۴. رمز جاودانگی

اکثر شاعران مرگ در راه وطن را با رنگ سرخ تعبیر می‌کنند. اما از آن جایی که گرمارودی مرگ سرخ را، مقدمه‌ای برای زندگی جاوید می‌داند، برای تعبیر از این گونه مرگ، رنگ سبز را برمی‌گزیند. در مجموعه «خط خون» گاهی تقابل رنگ‌های سرخ و سبز، بیانگر چنین هدفی است:

خوشا که روزی سرخ بمیرم و سبز برآیم / ... آه ای سبز! ای سبز سرخ! (همو،
۱۳۶۳: ۹۲).

گرمارودی، سرخ و سبز را در این ابیات، نمادی از امام حسین (ع) دانسته است. رنگ سبز، اشاره به حیات جاوید شهید بوده و سرخی، نمادی از شهادت و نشانه‌ای از سرور و شادابی شهید از رسیدن به آن است، زیرا سرخی چهره، نشان از رضایت کامل انسان در پیشگاه محبوب دارد.

۳.۳.۴. اعتراضی به حاکمیت سیاه

نوسروده‌های گرمارودی، از تنوع محتوایی و کاربرد فراوانی برخوردارند. بعضی از آن‌ها مانند «خط خون» و «در سایه سار نخل ولایت» از آثار درخشان دهه شصت و از اسباب شهرت این شاعر است. به نظر می‌آید بیشتر شهرت و اعتبار «خط خون» در خط شکنی آن و پیشگامی شاعر در شعر موضوع مند آیینی، بویژه در گرایش عاشورایی و از مشهورترین آنان تا زمان خود در قالب‌های نوین بوده است. بخشی از این شهرت، مرهون نگرش نوین، انقلابی و تاریخی شاعر به واقعه است و بخشی نیز به واسطه بدایع هنری آن، بویژه آغاز و پایان ابتکاری و به خاطر ماندنی آن است. رنگ سرخ، با تمام مایه‌های مثبت دینی

خویش، گسترده‌ترین حوزه نمادین رنگ را در این سروده در بردارد و رمزایش، شهادت، عشق، شادابی، ایمان و گاهی نماد حرکت انسان‌ساز امام حسین (ع) است. گرمارودی در این زمینه چنین می‌سراید:

مرگ سرخت / تنها نه نام یزید را شکست و کلمه ستم را بی سیرت کرد / که فوج کلام را درهم شکست / تو قرآن سرخی / خون آیه‌های / دلاوریت را / بر پوست کشیده صحرا نوشتی / و نوشتارها / مزرعه‌ای شد / با خوشه‌های سرخ / (همان: ۱۴۱)

در این قطعه شعری، «مرگ سرخ» و «قرآن سرخ» هر دو به واقعه عاشورا دلالت دارند. مرگ سرخ، نمادی از شهادت و قرآن سرخ، نماد امام حسین (ع) و خوشه‌های سرخ، رمز شهدای دشت کربلاست، زیرا از خون امام حسین (ع) درخت شهادت، سبز و بارور شد.

نتیجه

هر چند حماسه کربلا و قیام سالار شهیدان، مهم‌ترین رخدادی بوده که باعث تحوّل مضمونی و معنایی در ادبیات فارسی و عربی شده است، اما موضوع شهادت امام حسین (ع)، عاشورا و واقعه کربلا، حادثه‌ای است که در طول تاریخ، همیشه با یک نگاه، نگرینسته نشده و شرایط تاریخی، اجتماعی، سیاسی و... موجب شده تا در دوره‌های گوناگون، یک یا چند جنبه از آن، بیشتر مورد توجه قرار گیرد. از مجموعه عوامل مؤثر در نگرش به عاشورا، شرایط سیاسی حاکم بر جامعه، تأثیر قابل ملاحظه‌ای در زاویه دید شاعران داشته است.

بُعد فردی و اجتماعی شخصیت امام حسین (ع) و میزان رویکرد شاعران به هر یک از آن ابعاد، از مسائل قابل بررسی در اشعار عاشورایی فارسی و عربی است. صفاتی چون صداقت، مقاومت، اخلاص، صبر، ایمان و... نشان دهنده شخصیت فردی امام حسین (ع) و صفاتی چون هدایت‌گری، نجات بخشی، یاری دیگران، حیات بخشی و... بیانگر تعامل ایشان با جامعه خویش بوده و بُعد اجتماعی شخصیت وی را نشان می‌دهد، حتی توصیف صفات ظاهری و جسمی ایشان نیز از نظرها دور نمانده است. همچنین تعابیر و اصطلاحات به کار گرفته شده بوسیله شاعران، حکایت از حضور

ادبیات بُکایی و حماسی در هر دو زبان دارد، امری که ناشی از اختلاف در نوع نگاه به جریان عاشورا به عنوان یک تراژدی و یا یک انقلاب و نهضت حیات بخش است. در ورای این اشتراکات، اختلافات قابل ملاحظه‌ای نیز در شعر عاشورایی دوزبان وجود دارد که موجب تمایز دو ادبیات می‌گردد. از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به میزان توجّه شاعران دو ملت به ذکر نسب و مدح خاندان امام حسین (ع) اشاره کرد. ایشان در اشعار خویش، امام حسین (ع) را با تعبیری چون نواده پیامبر (ص)، تربیت یافته پیامبر (ص)، پسر بتول، پسر حضرت زهرا، فرزند شیر خدا، فرزند علی و... معرفی کرده‌اند. بررسی اجمالی اشعار عرب نشان می‌دهد که آنان بیش از شاعران ایرانی وارد این عرصه شده‌اند.

از دیگر سو، در دهه‌های اخیر، شاعران عرب توجّه بیشتری به بعد سیاسی حرکت امام حسین (ع) داشته‌اند. بی‌عدالتی، سختگیری‌های موجود، روحیه سازش‌پذیری سران، تسلیم و ناامیدی از تحولات اساسی در جامعه عرب و فقدان رهبری واحد در میدان مبارزه، باعث گردید تا شاعران با الهام از عاشورا، صفاتی را از شخصیت امام حسین (ع) انتخاب و در اشعارشان منعکس کنند که برخلاف روحیه حاکم در جامعه است. معرفی امام حسین (ع) به عنوان یک رهبر انقلابی و مبارز علیه ستمگری حاکمان فاسد از یک طرف و نیاز جامعه معاصر عرب به حضور چنین رهبرانی در جامعه، از طرف دیگر، تبیین‌کننده علت‌گرایش شاعران به این مسأله است. نوع صفات انتخابی برای امام حسین (ع) نیز مؤید این مطلب است که شاعران عرب در توصیف شخصیت امام حسین (ع)، به دنبال یک الگوی مبارز در جامعه خویش بوده‌اند به همین دلیل بیش از همه، برزنده بودن و تداوم حیات ایشان تأکید کرده‌اند. حضور امام حسین (ع) به عنوان یک مبارز در عصر حاضر و پیوند میان قیام کربلا و حوادث جاری جامعه عرب از ویژگی‌های شعر عاشورایی معاصر عربی است. به نظر می‌آید به دلیل حضور رهبران دینی در نهضت مشروطه و پس از آن، این مسأله کمتر مورد توجه شاعران ایرانی بوده است.

قیام عاشورا که به عنوان الگویی ارزشمند و کامل، از ابتدا پشتوانه فکری انقلاب اسلامی بود، با شروع انقلاب اسلامی، بارزترین اسوه و الگوی مبارزه شد. شعارهای مفقود عاشورا که هرگز در سروده‌های شاعران سده‌های پیشین به کار گرفته نشده بود، در

فرهنگ مبارزه و جهاد راه یافت و شعار و شعر آکنده از جملات و اشاراتی شد که ملهم از عاشورای حسینی بود. امام خمینی (ره) برای ملت، یادآور امام حسین (ع) و حق طلبی و ظلم ستیزی آن حضرت بود و در شعر شاعران نیز نمادها با نمادهای عاشورایی پیوند خورد.

با وقوع جنگ تحمیلی که مشابهت‌های بسیاری با نبرد حق علیه باطل در کارزار کربلا داشت این دو حادثه از جهات متعدد به هم پیوند خورد. حماسه عاشورا که تا پیش از انقلاب، عمدتاً به عنوان یک سوگ بزرگ به آن نگریسته می‌شد، در سروده‌های شاعران دفاع مقدس به عنوان یک حماسه مطرح شد که این نگاه حماسی به عاشورا، در تاریخچه شعر عاشورایی فصل تازه‌ای گشود. شعر جنگ، سرشار از روح حماسه و دلاوری است و مضامین برگرفته از واقعه عاشورا، سهم قابل توجهی در تقویت این روح حماسی دارد.



منابع

۱. ابومخنف، لوط بن یحیی (۱۳۸۵). *مقتل الحسین*. ترجمه علی محمد موسوی جزایری. نشر امام المنتظر. قم: چاپ اول.
۲. أدونیس، علی احمد سعید (۱۹۸۸). *المسرح والمرایا*. دارالآداب. بیروت: الطبعة الأولى.
۳. الأرزی، عبدالحسین (بی تا). *دیوان*. تحقیق مکی السید جاسم و شاکر هادی. مؤسسة النعمان. بیروت: لاطا.
۴. اسرافیلی، حسین (۱۳۶۴). *تولد در میدان*. حوزه هنری تبلیغات اسلامی. تهران.
۵. امین پور، قیصر (۱۳۶۳). *در کوچه آفتاب*. انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی. تهران: چاپ اول.
۶. بهار، محمد تقی (۱۳۵۴). *دیوان*. انتشارات امیرکبیر. تهران: چاپ سوم.
۷. بهداروند، اکبر (۱۳۸۱). «شعر». *مجله کیهان فرهنگی*. شماره ۱۸۷. صص ۴۱ - ۳۸.
۸. ثابت محمودی، سید حسن (۱۳۶۵). *دریا در غدیر*. انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی. تهران: چاپ دوم.
۹. حسینی، سید حسن (۱۳۸۶). *هم صدا با حلق اسماعیل*. انتشارات سوره مهر. تهران: چاپ سوم.
۱۰. الخاقانی، علی (۱۴۰۸). *شعراء الغری النجفیات*. مکتبه آیه الله المرعشی النجفی قم. ط ۲.
۱۱. خزعلی، انیسه (۱۳۸۱). *امام حسین (ع) در شعر معاصر عربی*. امیرکبیر. تهران: چاپ اول.
۱۲. دحبور، أحمد (۱۹۸۳). *دارالعودة*. بیروت: چاپ اول.
۱۳. دنقل، أمل (بی تا). *الأعمال الشعرية الكاملة*. دارالعودة. بیروت: چاپ اول.
۱۴. رسا، قاسم (۱۳۴۰ ش). *دیوان*. نشر بهمن. تهران: چاپ اول.
۱۵. ریاضی یزدی، محمد علی (۱۳۷۱). *دیوان*. جمهوری - اسدی. تهران.

۱۶. سبزواری، حمید (۱۳۷۳). *کاروان سپید*. انتشارات حوزه هنری تبلیغات اسلامی. تهران: چاپ اول.
۱۷. شاهرخی، محمود و مشفق کاشانی، عباس (۱۳۶۷). *مجموعه شعر جنگ*. انتشارات امیرکبیر. تهران: چاپ اول.
۱۸. شبر، جواد (۱۴۰۹). *ادب الطف أو شعراء الحسين*. دارالمرتضى. بیروت: الطبعة الأولى.
۱۹. الشرقاوی، عبدالرحمن (۱۹۸۵). *الحسين ثائراً وشهيداً*. العصر الجديد. بیروت: چاپ دوم.
۲۰. صالحی، بهمن (۱۳۸۷). *خنجر و گل سرخ*. انتشارات فصل پنجم. تهران: چاپ اول.
۲۱. صفارزاده، طاهره (۱۳۶۶). *دیدار صبح*. انتشارات نوید شیراز. شیراز: چاپ اول.
۲۲. الطریحی، محمد سعید (۱۴۰۹). *اجراس کربلاء*. مؤسسه البلاغ. بیروت: الطبعة الأولى.
۲۳. عبدالملکیان، محمدرضا (۱۳۶۸). *رباعی امروز*. انتشارات برگ. تهران: چاپ دوم.
۲۴. علی دوستی، همایون (۱۳۶۸). *اشک فانوس*. تهران: انتشارات حوزه هنری تبلیغات اسلامی. تهران: چاپ اول.
۲۵. فؤاد کرمانی، فتح الله (۱۳۷۱). *شمع جمع*. به تصحیح حسین بهزادی. نشر صدوق. تهران.
۲۶. قبانی، نزار (۱۹۸۶). *الأعمال السياسية الكاملة*. منشورات نزار قبانی. بیروت: الطبعة الرابعة.
۲۷. قزوه، علیرضا (۱۳۸۶). *من می گویم شما بگویید*. انتشارات سوره مهر. تهران: چاپ هفتم.
۲۸. کرمانی، فؤاد (۱۳۸۵). *دیوان شمع جمع*. انتشارات ولی. کرمان: چاپ اول.
۲۹. مؤید، سیدرضا (۱۳۷۳). *گل های اشک*. انتشارات علی زاده. مشهد: چاپ سوم.
۳۰. مجاهدی، محمد علی (۱۳۷۹). *شکوه شعر عاشورا*. مرکز تحقیقات سپاه قم.
۳۱. مردانی، نصرالله (۱۳۷۷). *شعر ربیعین*. نشر شاهد. تهران: چاپ اول.
۳۲. مشفق کاشانی (۱۳۶۵). *آذرخش*. انتشارات کیهان. تهران: چاپ اول.

- ۳۳..... (۱۳۷۵)؛ *گزیده اشعار* پیشگفتار. بهاء‌الدین خرمشاهی. انتشارات مروارید. چاپ اول. تهران.
۳۴. النّوّاب، مظفر (۱۹۶۶). *الأعمال الشعرية الكاملة*. دارقنبر. لندن: چاپ اول.
۳۵. نورالدین، حسن (۱۴۰۸) *عاشورا فی الأدب العالمي المعاصر*. الدار الإسلامية. بیروت: الطبعة الأولى.
۳۶. وحیدی، سیمین دخت (۱۳۷۷) *هفتمین فصل غزل (مجموعه شعر دفاع مقدّس)*. بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدّس. مدیریت ادبیات و انتشارات. تهران: چاپ اول.